

«مظالم»

عقوق مظالم پنج قسم است که عبارتند از :

- ۱- یاری کردن مظلوم که به آن ظلم (مالی، بدنی، عروسی) شده است.
- ۲- شکر گذاری از صاحب احسانی که به شما نیکی می کند و نباید کفران کرد.
- ۳- پذیرفتن غدر از شخصی که به شما بدی کرده و بعد پشیمان شده است.
- ۴- پوشاندن عیب برادر دشمن و خیانت نکردن به اسرار آنها.
- ۵- اگر کسی سؤال کرد حق سائل برگردن است باید حتی الامکان نیاز وی را برآورده کرد.

۲- نکات اخلاقی

- حتی الامکان نباید سؤال کرد و باید از سوالات اضافی خودداری کرد مثلاً در راه به دوست بر خوردی نباید بپرسیم که از کجای می آیی و تبه کجای روی و ... شاید او مایل نباشد که جواب دهد.
 - سؤال سائل اگر نسبت به معیشت لازم و ضروری باشد در انصورت کمکت کردن واجب است.
- مثلاً شخصی به شما بگوید که امشب خانواده ام از گرسنگی به زحمت لقاده اند، باید آنچه که می توانی کمکت کنی.

۲۶

حکایتی در مورد «ایشان»

ایشان یعنی اختیار غیر بر خود ما آنکه مورد لزوم می باشد و سخت به آن احتیاج داری ولی ایشان می کنی و به کسی که محتاج است می دهی. در اینجا به نمونه ای از ایشان در عالم بزرگوار «مقدس اردبیلی» ذکر می کنیم : آن بزرگوار عمده سفید و زرنگی بر سرشان بود و موقع رفتن به حلقه درس بود که یک نفر بوی می رسید و می گوید که من پیراهن ندارم. مقدس هم که او را عریان می بیند ولی خودش هم پیراهن تقداری نداشته از این دو عمامه اش را باز کرد و به اندازه ای که احتیاج بود پاره کرد و به او داد. بار دیگر

زنی در راه به او می رسد و از وی چاره می خواهد و مقدس اردبیلی می آید و با او می دهد
 راستی چند باید از خدا بپوشی بطلبیم که آنطور که سزاوار ائمه و گذشت است در عرفان از خودمان
 یکبار سراغ نداریم

۴ حکایتی دیگر از مقدس اردبیلی (در ۵۰)

در سالی که قحطی در نجف اشرف واقع شد در منزل مقدس اردبیلی آمد فراوانی بود از وی اعلام
 کرد که ای مردم بدانید که در خانه ما آمد موجود است هر کس احتیاج دارد روزانه باندازه معیش
 میرسد مردم هم می آمدند و می بردند تا روزیکه دیگر چیزی باقی نماند و خانواده مقدس با اعتراض
 کردند که این چه کاری بود کردید که الان همه بفکر زحیره است و شما عرض زحیره به مردم دارید
 مقدس فرموده بود که من از خدای خود حیا می کنم که در خانه ام گندم موجود باشد و مسلمانی از
 گرسنگی ناله کند

بالاخره مقدس از نجف به کوفه رفت و در مسجد کوفه معطل گردید تا آنست که به خانه خدای
 خود پناهنده شود اعتکاف که کمتر از سه روز هم نمی شود پس از سه روز قصد کرد بخانه خود
 و احوالی از خانواده اش بپرسد تا وارد خانه شد همه را خوشحال دید و همش گفت
 این آمدی که فرستادید چند خرب بود تا کنون باین مرغوبی ندیده بودم اردبیلی فرمود
 کدام آمد؟ زن گفت مگر نه الا دیروز سه بار آمد در باب منزل فرستادید بگفتند آمد و پرسیدم
 کی داده گفت آقای اردبیلی فرستاده است و ایشان در مسجد کوفه معطل هستند تا کم
 و سلامت می باشند بگزارش بنمایید

۲۵

اردبیلی سر بخاک گذاشت و پروردگارش را بسیار ستود و نمود

حکایتی از ایشان سالار شهیدان امام حسین (ع)

لیکن اعرابی که گرفتار قرض و سختی فقر شده بود به در اقامت حسن (ع) می آمد و تقاضای کمک می کند، آنرا از دست در برای اینکه اعرابی بحالت نکند و سرزنده نباشد، چهار هزار دینار به او می دهد و نیز از او مغفرت هم می خواهد (انّی الیک مغفیر)

اعرابی گریه کرد، حضرت فرمود چرا گریه می کنی؟ گفت: حیف این دست که بر خاک برود!

عرابی خبر ندانست که بگوید حیف این دست که گرفتار ظلم سار بان شود.

«السلام علی الاصبیح المقطوع» هر آنکس دستش را از بند حیا جدا کند...

«السلام علیک یا ابا عبد الله»

۴۸

۴- حدیثی از رسول اکرم (ص) در مورد حقوق

در جلد ۳ بخار نقل شده که روزی رسول اکرم (ص) روی منبر فرمودند: من پس از امت من کیست؟ گفتند: کسی که در هم دینار ندارد، حضرت فرمودند: من پس از امت من کسی است که دارد و عیسی فرمود

این حال صاحبان حقوق اطرفش را می گیرند و مطالبه حقوق خودشان را می کنند که فلان جا

فلان مقدار مال مرا بردی، قرض گرفتی و پس ندادی، کم فروختی، ... صاحبان حقوق عرضی -

هم می آیند در فلان مجلس آن روی مرا بردی، باز مرا فاش کردی، غیبت مرا کردی، بمن

بی حرمتی کردی، ... و بالاخره فریاد از حقوق بدی، فلان وقت بمن سبلی زدی، از بیت

کردی و ... خدایا! وقتی ذی الحقوق اطراف مرا بگیرند بنا بر آنچه به ما رسیده اگر بنا بر حدیث

بآنها داده شود و اگر کم میاید باید از گناهان آنها درازیم، چه کنیم؟ راه چاره فقط لطف توست!

۷- حقوق اولاد بر گردن والدین

حقوق اولاد بر گردن والدین بسیار تنگین است و در جامعه کنونی، کمتر پدر و مادری می توان یافت که این حقوق را کاملاً ادا کنند. اگر دختر بعد از نه سالگی و پسر پس از ۱۵ سالگی نماز بخواند معقر پدر و مادر هستند که آنها را مقید به انجام تکلیف الهی نکرده اند و قرا هم همه چیزها تبارک الصلوة بار می آید. وای بر پدر و مادرهایی که فردای قیامت فرزندان شان را بگنیزند و مطالبه حقوق آنرا ننمایند. لذا در قرآن مجید در سوره عیس ^{۳۶-۳۷} آمده خداوند می فرماید: «يَوْمَ يُقَالُ لِلْمَرْءِ مِنْ أَخِيهِ ۝ وَأُخِيهِ ۝ وَأُخِيهِ ۝ وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ ۝» و آنکه شخص فراری کند از برادرش و از پدر و مادرش و همسر و فرزنداناش که بخاطر مطالبه حقوق آنهاست و گرنه چگونه شخص از اولاد یا والدین خودش بگنیزد می ترسد که الان سیرش بگنیزد چرا بر بخت کردی؟

۸- حق همایه از حقوق هم انسان

روایات فراوانی در خصوص اهمیت حق همایه چه مسلمان و چه کافر موجود است. در وصیت امیرالمومنین (ع) در روز سیتم ماه مبارک رمضان آنحضرت اینطور می فرماید بنابر آنچه در نایج البلاغه است که: (اللَّهُ، اللَّهُ، فِي الْجَارِ) «ما را سفارش می کنم بر رعایت حق همایه پدری که رسول اکرم (ص) اینقدر به ما سفارش رعایت حق همایه را فرمود تا ما گمان کردیم که همایه از همایه است می برد» مستحب است هنگامی که شخص احساس می کند عرض نزدیک است از همایه ها و هم صحبتی ها و همفرباشی حلالبوری بطلبد.

حکایتی در مورد نقش مهم پدر و مادر در نجات فرزندان

هر مردی محترم از اهالی لار بود که چند دهستان و شهرهای طولانی و چه تاستان و شهرهای کوتاه، از دو ساعت مانده به اذان صبح بیدار و مشغول نماز بود. می گفت بعضی عادت کرده ام که اگر تا نیمه شب هم بیدار باشم باز سر بعد بیدار می شوم و علتش اینست که در کودکی پدرم معتقد بود وقت سحر مرا بیدار می کرد و وامیداشت و منو بگرم و با خودش مرا به مسجد می برد و نماز شب را خودش می داند و یاد من هم می داد و این موضوع برای من عادت شده است.

۱- نکته اخلاقی در مورد تربیت فرزندان

بر پدر و مادر واجبست که از همان کودکی از فرزندشان جلوگیری کنند تا گناهان فساد آور را مرتکب نشود. مثلاً دروغ و غیبت و آهت، در صورت مشاهده از فرزند، باید با روی خوش و توضیح صحیح و زشتی عمل وی را او آوار گردانند تا از تکرار چنین کارهایی خودداری کنند نباید در صورت دیدن گناه از طرف فرزند ترویج او خندید و یا تشویق کرد. اگر این چنین نشد، ترس از گناه نزد او از بین می رود و کم کم در کاشش شیرین می شود و چون مؤدب به آداب دیده شده است، پس اسدی شود و دیگر مثل تنبلی را که بر او راه راست هدایت شود.

۱۱- حق واجب پدر و مادر بر فرزندان

از جمله حقوق والدین، ادب و احترام نسبت به آنها است. وای بر اولادی که با تندی به مادرش نگاه کرد. تا خشم به پدر و مادر کرد، نمازش قبول نیست تا چه رسد به اینکه بر بانی صرف تندی برند که در قرآن هم می فرماید که هر کس به والدین خود، اُف بگوید بوی الهیت را استشمام نمی کند. و غنا از چیزهایی که موجب فقر می شود تقریباً بر اولاد است که باید پدر و مادر را رعایت کنند.

۱۲- شل شدن زخمشری بخاطر نفرتن مادر

گویند زخمی صابن تفسیر کشاف لقب به جابر الله، یک پانداست، از خودش نقل شده است که علتش نفرتن مادر بود است بدین ترتیب که در کودکی پایی گنجشکی را در لانه اش گرفت و بیرون کشیدم، گنجشک مقاومت کرد تا بالاخره پایش در دست من کنده شد، مادر دید و ناراحت شد و گفت الهی پایت بریده شود!

۱۳- نداشت اخلاقی در مورد رعایت حق همسایه

□ نگاه کردن از نذر یا سوراخ دیوار همسایه حرام است و نباید به امور داخلی آنها سرک کشید.
□ اگر خدا آن و طعمی که با اصطلاح بوی آن بلند می شود بیزد مخصوصاً اگر همسایه بچه های کوچک داشته باشد باید ملاحظه کند یا به آنها هم بدهد یا از بخش آن خودداری کند و مخصوصاً نسبت به همسایه فقیر که ممکن است قبل خدا اگر را نداشته باشد.
□ و نیز نباید همسایه را آزار داد بطور مثال نادران خانه را در خانه همسایه قرار نباید داد یا آشغال را در درب منزل همسایه ریخت.

۳۱

۱۴- داستان در مورد آزار شریک یا همسایه

یکی از مسلمانان به نام «سمرة بن جندب» درخت نخلی در خانه یکی از انصار داشت یعنی خانه مال انصاری بود که در گوشه آن درخت سمرة بن جندب بود. این شخص مردی باکی بود و از آداب معاشرت و اخلاق اسلامی بی بهره بود و هر وقت می خواست برای سرکشی درختش بدون اذن و اطلاع و سرزده وارد می شد مرد انصاری ناراحت می شد تا آنکه به او گفت: هر چند تو حق خود را می آفا از تو تقاضای کنم قبل از ورود خبر کن تا همسایه هم وقتی سرش برهنه است، سرش را بپوشاند

سمره در اینجا قلدری کرد و گفت: در ختم در اینجا هست، حق عبود را من در لیم نمی خواهم اجازه بگیرم!
بیچاره انصاری بر رسول خدا شکایت وی را کرد و جریان را گفت. حضرت کسی را فرستاد دنبال
سمره تا به او بگوید که شریکتی در شکایت می کند و من از تو خواهش می کنم وقتی برای سرکشی درخت
می روی بدون اذن داخل مسود خبریده.

اما این بی حیا در مقابل درخواست پیامبر (ص) نیز مقاومت کرد و همان حرفها را زد.
رسول اکرم (ص) فرمود: پس برای اینکه این انصاری راحت شود درخت تخل را بفروشد، او قبول
نکرد. فرمود قیئش دو برابر می شود. قبول نکرد. فرمود سه و چهار برابر ولی او باز قبول نکرد.
حضرت فرمود پس بیا و جنس با جنس معامله کن این تخل را بفروشد در برابر یک تخل دیگر در جای
دیگر، قبول نکرد. فرمود در برابر دو تخل، سه تخل، چهار تخل، باز قبول نکرد حتی در برابر
ده تخل نیز قبول نکرد.

لجاری را به نهایت رساند. مصداق آیه قرآن: «قلوبهم كالجاراة او اشد قسوة»
که قلوبشان از سنگ هم سختتر است. که چاره ای جز آتش جهنم نمی تواند باشد برای چنین
ساحب و سر سختی در مقابل رسول اکرم (ص).

۳۲

حضرت رسول اکرم فرمود پس بیا معامله دیگری کن فانی به باقی یعنی تخلت را به من بفروش در برابر تخلی
از تخلهای جهنم که از پس رفتن نیست. سمره با سر سختی بسیار باز هم قبول نکرد و معلوم شد غضنی
جز ساجت ندارد. رسول اکرم فرمود: «لا اراک الا مضاراً» من ترا جز ضرر زننده نمی بینم.
و بنابراین چون در اسلام زبان رساندن حرام است حضرت امر کرد قدا تخلص را بکنند و جلوس
اندازند. کسی که با محاسبه و سرکشی انگونه بی رحم باشد چاره ای جز این ندارد و آن هم بدلیل -

فقدان ایمان می باشد.

و عاقبت هم این بد بخت بوارطه عرض و مجلس پس از رحلت پیامبر (ص) از حله (شماره) علی (ع)
گردید و چون دید جلوانند معاویه است به شام رفت. روزی معاویه گفت یکصد هزار درهم بنویس
می دهم که دروغی درباره علی (ع) بگویی، روی منبر بروی و بگویی که آیه «وَمِنَ النَّاسِ قَوْمٌ يَسْمَعُونَ
كُفْرًا مِنْهُمْ لَا يَخْلَعُونَ حُلِيَّ اللَّهِ» (از مردمان کسی است که جانش را در راه بدعت آوردن خشنودیهای خداوند -
می دهند - بجه ۷۴) که این آیه درباره علی (ع) در لیلۃ البیت که ایشان در جای پیامبر خوابیدند و
پیامبر هجرت فرمود نازل شده است، بگو که درباره قاتل علی (ع) بعضی این ملجم مردان نازل شده
است. سمره گفت ای معاویه حقیقت آنست که دروغ بزرگ و حق است و قتلش خلیفش از این
است بعد هزار غمی از نزد معاویه دوباره کرد باز چانه زد و بالاخره در ۶ هزار درهم معامله تمام شد.
او چهل را گرفت و با کمال وقاحت و بی شرمی بر منبر مسجد اموی شام بروی منبر رفت و گفت ای
مردم، خورم بگوشت خود شنیدم که این آیه در شأن قاتل علی (ع) نازل شده است. و در اینجا بگو
هم بپایانند که باو اعتراض کنند.

کسیکه از اول عمرش انقدر حرص و بخل باشد سر او هر گونه عقوبتی می باشد. رسول خدا (ص)
درباره آن فرمود که - عاقبت به آتش دنیا می سوزد و می سوزد - و چنین هم شد که روزی در خانه
آب در داخل دلیک می جوشید و این بد بخت از سبب سر ناگهان در دلیک افتاد و بخت و ضرر.

۳۳

۱۵- کلامی از امیر مومنان (ع) در مورد رعایت حقوق دیگران

حضرت مولای مومنان علی (ع) می فرمایند: «اجْعَلْ نَفْسَكَ مِثْرًا لِّبَيْتِكَ وَبَيْنَ عَمْرِكَ»
یعنی خودت را مِثْران میان خود و دیگران قرار بده. کسی هم که نخواهد حقوق دیگران را رعایت کند

باید این جمله را التو قرار دهد. اگر در پشت سرت عیب را بگویند، ناراحت می شوی پس خدوت هم پشت
سرت کسی عیب ندارد. بقول شاعر معروف سعدی شیرازی که گفته :

بیری مال مسلمان و چو مالیت ببرند

بانگ و فریاد برآری که مسلمانی نیست

ای کسانیکه می خواهید خدا به شما رحم کند، آیا خودتان رحم دارید؟ اگر کسی تقضای کمک خواریت به
و کمک می کند؟ ...

۱۶- حدیثی در مورد « صراط »

اگر کسی از عهده اداء حقوق بر نیاید و با این حال مرگ وی فرارسد چنین شخصی در عقبه نظام در قیامت
و بروی صراط گرفتار خواهد بود. برای اینکه صراط را بنام سیم سراخ یکی از احادیث نبوی می رویم :
روایت است از پیامبر اکرم حضرت محمد (ص) که فرمودند : « قیامت که برپا می شود جهنم را رو به صحرای عسری -
کنانند، هزار چهار دارد و هر چهاری بدست یکصد هزار ملائکه غلاظ رستاد است ، هنگامیکه آنها می گذرند
نوره ای از جهنم بلند می شود و اطراف خلافت را می گیرد. جهنم را که آورند پلی روی آن می گذارند که خلق باید
از روی آن رد شوند تا به بهشت برسند . »

از این حدیث می فهمیم که برای رسیدن به بهشت باید همه خلافت از روی پلی بنام صراط بگذرند و این گذشتن
بنابر روایت از اهل بیت (س)، ملتواخت و یکسان نیست و هر کس به مقدار نور عبادت و اعمال صالحه و مقدار

۳۴

« وَ جِيءُ يُؤْمِنُ بِجَهَنَّمَ ... » (سوره مبارکه فجر - ۲۳)

عجبی که به خدا و پیامبر و خاندان عصمت دارد از روی صراط می گذرد.

در صراط نور خاصی نیست بلکه تاریکی می باشد و آفتاب یا ماه های درکار نیست. در آن روز نور فقط نور محمد (ص) و اهل بیت اطهار اوست باشد یعنی در روزی سختی که پیش روایت فقط نور ولایت ایشان در روزی خرد هر کس چنین نوری داشته باشد نور اعمال صالح چون نماز و روزه، نور تلاوت قرآن و ذکر خدا، نور اخلاص و تقوی از هر طرف نور افشانی می کند، از پیش و از دو طرف روشنایی می بخشد. و سبکی دارد به آنکه شخص چه مقدار نور تحصیل کرده است بکثرت نورش مانند چشم کار کردن است. دیگری بکثرت فرسخ و سوتی مانند آنکه جلو پایش را بیند و عروست یکی هم مانند آنکه ای نورش کم است که تنها انگشت ابرو او نور می دهد و اقبال و خیر آن است.

آری. نور و حضور و غل و عبارت هم می باشد و از تمام اعضاء و جوارح ظاهری و باطنی که طلعت کرده جلوه نور افشانی می شود. این راه سه هزار ساله صراط را می توان بدو رخ نور طی کرد.

۱۷- صراط دارای شعور می باشد

جميع موجودات عالم آخرت دارای حس و شعور می باشند و با عالم دنیا فرق دارد. نفس قیامت شعور دارد و نیز صراط حس و شعور و فهم دارد. هر کس بر صراط قدم می گذارد اگر مؤمن باشد زیر پایش صاف و خنک و منع می شود و صراط ساری شود آقا هرگاه کافری یا گناه کار یا روی آن بگذارد صراط می لرزد تا جایی می رسد که از رویارویی و از شمشیر برنده نمی شود و از سبب ناله و بکری می گردد تا آنکه شخص را بکام آتش فرو می برد. و بدینگونه فتنه می شود که عالم آخرت بکلی چه حیات است (طبق آیه ۲۹ سوره علقمات).

۲۵

۱- يَوْمَ تَبْيَضُّ الْوُجُوهُ وَالْمُؤْمِنَاتُ يَسْعَىٰ نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ «حمید- ۱۲»

۲- وَ أَنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَإِنَّ الْخَيَّوَانَ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ.

۱- موقف و عقبات صراط

با استناد از روایات و احادیث می توان گفت که بر وزن صراط از حدیث اهل در عقده اصلی، موافق و عقباتی وجود دارد که هر شخصی نباید بگذارد و این موقعه حواله باشد حال به مناسبت وقت در مورد سه عقبه صراط حدیث می آوریم :

۱۹- موقف اول در مورد اماستاری و صلوة رحم

از حدیث اهل نخستین عقبه در مورد اماست و صلوة رحم است. اگر کسی در عمرش خجاستی کرده باشد یا خجاستی را به صاحبش رد کرده باشد در راه امانت ضایحه کرده باشد هر چند کار را از دیگرش در دست باشد و کسی اینجی گرفتار است. خیانت تمام است و حتی به او رحم نباید خجاست کرد. یکی از افعال مستحکم می فرماید: «حتی اگر آن را بشنوی که با آن خدمت را کند به من امانت دهند آنرا به پس می دهم و در آن خجاست نمی گیرم». اماستاری منحصر به امور مالی نیست و کلام هم امانت می خورد اگر کسی به شما کاری را بگوید که برادر شما امانت است و نباید به آن خجاست رفتن کرد. «الحال بالافانه» و نیز صلوة رحم هم از وظائف هر مسلمان است و باید رعایت حال پدر و مادر و اولاد و برادران و خواهران و اعمام و احوال (عمو، عمه، دای، خاله) و برادران و پس و دیگران را است و اگر دو مایه به فلات و بدل شکلات آنها اندام کرد.

۴۶

۲۰- موقف نفاذ و ساین و احیای دینی

در عقبه دهم از نفاذ بر سریده می شود اگر کسی بابت الصلوة از حدیثی شریعت اهل بیت اخبار را هم به او نخواهد رسید. روایت مشهور حضرت امام صادق (علیه السلام) که در سنن بیاری در آخر از لحظات عمر مبارک آن به خاندان و سنگان خود فرمودند که شریعت و اهل بیت هر کسی که نماز را است بشود و غیره

برپاشیده و روزی تا خبر می باشد از این دو جهنم را آورده و حشر (صراط) را روی آن گذاشته تا مردم
از روی آن رد شوند و من هم از کسانی بودم که می بایستی رد شوم.

در ابتدا حرکت کردم خوب بود اما هر چه بیشتر می رفتم سخت تر می شد ~~و~~ زیرا می بایم بار یکتر می شد می نزدیک
و کم کم خیلی بار یک شد زیرا می آتش بسیاری سعه و بود و زیرا می می موج می زد. یکبار می می خواست
ببفتد بایای دیگر خودم را بلکه می دانستم بالاخره کار بجایی رسید که اقدام

شماره آتش سیاه را رو به پائین کشانید دیگر نمی توانستم چیزی ببینم حریت مرا فرا گرفته چه کنم؟
هر چه دست و پا می زدم بجایی نرسیدم، فریاد می شنید... ناگاه بدلم افتاد مگر نه علی (ع) فریاد رس
مظلومان است. علاقه و حبّت مولای علی (ع) کار خدش را کرده و فریاد زدم. یا علی (ع)!

تا این جمله را بردل و بر زبانم راندم، نزد علی بن ابیطالب (ع) را با لای سر خود احساس کردم. سرم را
بالا گرفتم دیدم آنای علی (ع) روی صراط ایستاده اند به من فرود دستت را بمن بده. دست دراز
کردم و آن مولای دستش را آورد آتش کنار رفت و وی مرا از جاذبه آتش گرفت و بالا آورد و دست
روی رانهایم کشید. و حسناک از خواب بیدار شدم تمام بدنم می سوخت جز هاتجائیکه امیر مومنان (ع)
علی (ع) دست کشیده بودند.

آن شیخ وقتی به اینجا رسید قطیف را عقب زد فقط قسمتهایی از رانش سالم بود و بقیه بدنش همه تاول
زده بود و سه ماه معالجه می کردند تا خوب شد و هر وقت در مجلس از او سؤال می کردند و شرح ماجرا را
می گفت از هول تب می کرد.

این نمونه ای از آتش فراست که نش دادند در خواب. هر کس افتاد دیگر چاره ای ندارد مگر اینکه قوه
ولایت فریاد برسد قوه ولایت امام علی (ع)

و امیر و نجاشی و ابی یعقوب به این است که علی (ع) فرمود اند من در صراط حاضر می باشم و مطابق روایت
رسیده در دو طرف صراط حضرت محمد (ص) و علی (ع) ایستاده اند و از آنان که سزاوار شفاعت می باشند
شفاعت می کنند ان شاء الله

« چه غم دیوار امت را که باشد چرخ تو شبانچ
چه بک از موج بحر آنرا که باشد موج کسبانچ »

۲۳ - مشقت برداشتن از پیل صراط

اگر کسی می خواهد برای قیامت بی روی صراط کند و نشود باید ببیند در مقام اعتقاد و عمل چگونه است اگر در
انجام واجبات و ترک محرمات و ملذذات مسامح ندارد در این صورت فضای قیامت مشکلی ندارد
ولی اگر در این دنیا سبلی و غفلت دارد در صراط نیز افتاد و خیزان خواهد بود.

محققین فرموده اند که کسی نیست از صراط بلند و ملترانده افتادن دارد. در جلد سوم بحار الانوار خود است
که هیچ کس از اولین و آخرین بدون مشقت از صراط رد نمی شود مگر خاتم النبیین و محمد (ص) و اهل بیت
طاهرین (ع). خود رسول خدا (ص) به علی (ع) فرمود که یا علی (ع) هیچ کس از صراط بدون زحمت نمی گذرد
مگر من و تو و فرزندان است. این ۴ انوار پاک هستند که بدون افتادن رد نمی شود ولی بقیه خلایق بدون
افتادن نیستند. کسی که از اول تکلیف تا آخر عمرش بر صراط مستقیم دیانت باشد و رفتی
بر او بلند که کفر شی انجام نداده است؟ چه بسیار کسانی که صبح را به سبب بی ریاستی در حالیکه در راه دعای
نفس قدم برداشته اند و خوردن هم متوجه نیستند. تشخیص طریق شرع از موبایلتر است و عمل صحیح
بیا آن از شمیر برنده و تیر تر است.

۲۳ - رنگ آتش دوزخ پس از سه هزار سال دیدند

ابو بصیر گوید خدمت امام صادق (ع) رسیدیم عرض کردم آنکارلم قنات پیدا کرده است. حضرت فرمود: روزی جبرئیل بر رسول اکرم (ص) نازل شد و میخند بسیار و تبسم بود و می آفرود عبوس، غمخوار و گرفته بود و آنکارانده از چهره اش آشکار بود. رسول اکرم (ص) به او فرمود این چه غمی است که امروز داری؟ عرض کرد یا رسول الله (ص) منافع جهنم امروز تمام شد. حضرت فرمود منافع چیست؟ عرض کرد به امر پروردگار جهنم را هزار سال دیدند تا سفید شد و هزار سال دیدند تا سرخ شد، هزار سال دیگر دیدند تا سیاه شد و حالا نارغ شدند، و من از هزل آتش اند و منافعکم پیامبر گریان شد. ملکی نازل شد عرض کرد خداوند وعده داده است شما را از هر گناهی که موجب آتش شود، نکند دارد.

۲۴ - مالک دوزخ، ملک عبوس

رسول اکرم (ص) فرمودند: در شب معراج به ملک مبینی رسیدیم، سلام کردم ولی تبسم نکرد. از جبرئیل پرسیدیم که او کیست؟ گفت: مالک جهنم است و اگر بروی کسی تبسم می کرد بروی شما تبسم می کرد از وقتی که خدا او را آفریده است عبوس است. رسول اکرم (ص) در ادامه فرمودند: گفتیم به او بگوید تا روپوش از روی جهنم بردارد عرض کرد طاقت ندارید. گفتیم نشانم بدهد جبرئیل به او گفت اینک پیامبر آخر الزمان می خواهد دوزخ را ببیند. گوشه ای از آنرا عقب زد که مرا مدهوش گردانید.

پیامبر فرمود صدای عظیمی بگوش من رسید پرسیدیم این صدا چیست؟ عرض کرد سنگی از لب چاهی در جهنم افتاده هفتاد سال در آنجا بود و اینک بقر دوزخ رسید. از آن به بعد رسول خدا ص، تا آخر عمر شریف آن خندان دیده نشدند.

ع

۲۵ - تأثیر یک آیه در مورد درهای جهنم بزرگ زن

روایت که روزی زنی از اشراف واعیان به مسجد النبی (ص) آمد و بیت سر پیامبر اکرم (ص) نماز ایستاد. رسول

اگر چه (ص) در آغاز این آیات شریف را تلاوت فرمود که «جهنم وعده گاه عذاب است (کفار و منافقین) برای آنها هفت در (ص)
این زن تاکنون از این صحبتها شنیده بود متقلب شد و صبحی ای ز دروازه حال رفت بعد که بحال آمد عرض کرد یا رسول الله (ص)
این هفت در جهنم که فرمودید مرا بیکر انداخت و متقلب که در حال از حال دنیا هفت گنیز دارم آنرا را در راه خدا می دهم تا خداوند
مرا از عذاب روزخ براند.

۴۱

جبرئیل نازل شد و عرض کرد یا رسول الله (ص) به او بشارت دهید که خداوند هفت در جهنم را بر روی او بست بز ۷۱، ۱۱، ۱۸